

## مراسم تجلیل از خمینی جلاد در لندن

را به افتضاح کشانیدیم

صفحه ۴

سعید آرمان

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اعدام جمعی ۱۲ زندانی در زاهدان نشانه استیصال جمهوری

اسلامی است!

صفحه ۶

# ۶۵۱ مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran  
Hekmatist

۱۰ ژوئن ۱۴۰۱ - ۲۰ خرداد ۲۰۲۲

### چلبی های پلاستیکی

این جنگ قدرت سیاسی است، شوی سیاسی نیست

صفحه ۶

سیاوش دانشور

### دو قطبی های کاذب جایگزین جدال

### واقعی آلترناتیوها

صفحه ۸

جاوید حکیمی

۲۰ سال گذشت: ۳۰ خرداد ۶۰

### گفتگوی منصور حکمت با رادیو انترناسیونال

صفحه ۹

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

### بازنشستگان امروز گل کاشتند!

صفحه ۶

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات

اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

یادداشت ها،

سیاوش دانشور

صفحه ۱۱

### صورت مسئله اصلی، چه باید

### کرد، کارگران و ما کمونیستها

### است!

رحمان حسین زاده

در همین یکماهه اخیر دور جدید اعتراضات توده ای برحق در شهرهای خوزستان، فوران خشم فروخته مردم آبادان به دنبال فاجعه متروپل و گسترش همبستگی و اعتراضات در دیگر شهرهای کشور، ادامه اعتراضات سازمانیافته و هدفمند بازنشستگان و فرهنگیان و معلمان و اعتصابات کارگری، عزم و اراده جدی تر کارگر و مردم را برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی نشان میدهد. جنبش سرنگونی گامهای محکمتری را به جلو برداشته است. این را سردسته حکومت جنایتکاران اسلامی به خوبی دریافته است. اذعان خامنه ای به "اعتراضات مردمی" به جای لفاظیهای پوچ "اغتشاشات" دلهره او از امواج اعتراضات جاری را نشان میدهد. "جمهوری اسلامی رفتنی است" یک داده عمومی و جریانات راست دهها سال امید بسته به بازیهای جناحی "اصلاح طلبان و اعتدالیون" هم پذیرفته اند.

بر بطن این واقعیت بار دیگر تحرک جنبشها و جریانات و آلترناتیوهای مختلف برجسته شده است. درس طرح ماکروی سیاسی راست و چپ جامعه هرکدام متکی به نیرو و امکانات و روشها و متحدان خود برای گرفتن قدرت سیاسی و شکل دادن به رهبری در جنبش سرنگونی خیز برداشته اند. تحرک اپوزیسیون راست و صفحه ۲

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!



واضح است و بارها این را تاکید کرده ایم، ما تامین رهبری رادیکال و کمونیستی و کارگری جنبش سرنگونی را مد نظر داریم. از نظر ما رهبری همگانی و "همه با همی" جنبش سرنگونی نه مفید است و نه واقعی. هر چند جنبش سرنگونی، جنبشی عمومی با حضور طبقات و اقشار مختلف است، اما طبقات و اقشار مختلف منافع و خواسته های متفاوت و لاجرم جنبشهای متفاوت را نمایندگی میکنند. پولاریزاسیون طبقاتی و اجتماعی و مبارزاتی و خود آگاهی طبقاتی جنبشهای مختلف اجتماعی و سیاسی، اعم از چپ یا راست، بورژوازی یا کارگری، به درست امکان وجود رهبری "همه با همی" را سد کرده است. طیف راست و چپ در تحولات جامعه و برای پایان دادن به کار جمهوری اسلامی، هر کدام دنبال تامین رهبری مورد نظر خویش هستند.

به علاوه برای جنبش کارگری و کمونیستی خودآگاه، تجربه تلخ دنباله روی طبقه کارگر و نیروهای چپ و آزادیخواه در سال ۵۷ از رهبری جریان بورژوازی و کپک زده اسلامی، درس مهمی است که نباید تکرار شود. هم اکنون صف بندی راست و چپ در جنبش سرنگونی به وضوح برجسته شده است. قصد ما تامین رهبری چپ، کارگری و کمونیستی جنبش سرنگونی است. با این نقطه عزیمت، بستر اصلی تامین چنین رهبری رادیکال مورد نظر ما جنبش کارگری است. خوشبختانه جنبش کارگری ایران در این سالها چنین ظرفیتی را از خود نشان داده است. درست برعکس سال ۵۷ که در جریان مبارزات پر شور آن دوره، ترند چپ عمدتاً نگاهمان به دانشگاه و دانشجویان و در سطح عمومی تر متأسفانه نگاهها به جنبشها و احزاب و سازمانهای سیاسی بورژوازی صرفاً ضد سلطنت دوخته شده بود، اینبار امیدها و نگاهها متوجه جنبش کارگری و مبارزات مهم آن و رهبران کارگری است. این موقعیت را رهبران رادیکال و سوسیالیست جنبش طبقه کارگر و ما کمونیستهای متعهد و متعلق به جنبش کارگری باید دریابیم و پاسخگوی این موقعیت و این نیاز باشیم.

### حزب سیاسی و رهبری!

اما طبقه کارگر به طور کلی و صرفاً با سازماندهی اعتصابات و اعتراضات و حتی ایجاد تشکلهای توده ای و شورایی نمیتواند تامین کننده رهبری جنبش سرنگونی و سازمانده انقلاب و تحول رادیکال علیه حاکمیت سرمایه و جمهوری اسلامی باشد. همانطور که در مناسبتهای دیگر نیز تاکید کردیم، ایفای چنین رسالتی سازمان رهبری کننده و کمونیستی جنبش طبقه کارگر را میطلبد. در جدالهای سیاسی جامعه، جنبشها و طبقات اجتماعی از کانال احزابشان نمایندگی میشوند. طبقه کارگر هم از طریق حزب کمونیستی خود باید در همه لحظات جدالهای اجتماعی و طبقاتی و به ویژه در مقطع تعیین تکلیف قدرت سیاسی نمایندگی شود. کارگران کمونیست، رهبران رادیکال و پیشرو کارگری علاوه بر تلاش مستمر برای ایجاد و تحکیم تشکل توده ای خود، بسیار لازمست به روشنی بر مبرمیت اتکا به تشکل یابی حزبی و حزبیت کمونیستی طبقه کارگر را در میان صفوف کارگران اشاعه دهند. با گرایش تحزب گریزی و دور کردن کارگران از دخالتگری در تحولات سیاسی مبارزه کنند. قبلاً اشاره کردیم، درس مهم انقلاب ۵۷ و درسهای برگرفته از همه تحولات مهم چند دهه اخیر و از جمله در تحولات مهم

صفحه ۳

## صورت مسئله اصلی، چه باید کرد، کارگران

### و ما کمونیستها است!

رحمان حسین زاده

نمایش تکراری رضا پهلوی و کلی گوییهای عقب مانده و بیگانه با مبارزات اعماق جامعه از جانب او در هفته گذشته در این چهارچوب قابل توضیح است. قطعاً تحرک و جست و خیز ضد کارگری و ارتجاعی اپوزیسیون راست و جناحهای مختلف آن را باید خنثی و منزوی کرد، اما اکنون صورت مسئله جدیدتر اینست، جنبش ما، جنبش کارگری و کمونیستی چکار میکند؟ و کجای تصویر تحولات سیاسی ایران است؟ چطور و چگونه کل پتانسیل جنبش سرنگونی رادیکال به میدان کشیده میشود. چگونه بر محدودیتهای کنونی خود فایق میاید.

چگونه سراسری تر، استمراریافته تر و متحدانه تر و سازمانیافته تر حول پلتفرم و شعارهای سلبی محوری در موقعیت تعیین تکلیف قطعی با جمهوری اسلامی قرار میگیرد؟ در این رابطه میتوان لیستی از راه حلها و اقدامات ضروری را ردیف کرد، اما مقدم بر آنها مسئله گری و محوری تر که پیشروی جدی جنبش سرنگونی در گرو آن است، تامین رهبری چپ و کارگری و رادیکال است. البته تامین رهبری صرفاً با تبلیغ و ترویج و آگاهگری حاصل نمیشود، بلکه پدیده ای کاملاً مبارزاتی پراتیکی است که لازمست آن را ممکن کرد و اتفاق بیفتد. در نتیجه تاکیدم در اینجا توجه دادن به آن نیروی فعاله ای است که این رسالت را بر دوش دارد. آن نیروی فعاله، از نظر من از دل جنبش رادیکال کارگری و توده ای و کمونیسم رادیکال و کارگری و متحزب عروج میکند. مشخص تر منظورم رهبران و فعالین کمونیست کارگران و جنبشهای اجتماعی رادیکال و نیروهای کمونیست و حزب ما به مثابه حزب کمونیستی متعهد و متعلق به طبقه کارگر است.

### از رهبری محلی تا رهبری سراسری!

وقتی در مورد تامین رهبری صحبت میکنیم، بحثم در مورد تامین رهبری این یا آن اعتصاب و اعتراض در محل نیست. به نظر من رهبری محلی جنبش اعتراضی به درجه بالایی تامین است. بر خلاف تصورات سطحی و یا مصلحت گرایانه و نفی گرایانه، اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای، تظاهراتهای شهری، و تجمعات هماهنگ بازنشستگان و معلمان و دیگر اعتراضات، هیچکدام، "خوبودی" راه نیفتاده و نمی افتند. بلکه توسط رهبری مشخص و مستقیماً هدایت کننده شان سازماندهی شده اند. اینجا بحث من حرکت به سوی رهبری جا افتاده سراسری و به هم بافنده کل پتانسیل اعتصابی و اعتراضی، علیه وضع موجود و حاکمیت سرمایه و به این اعتبار متحد کننده و هدایت گر کل جنبش سرنگونی برای پایان دادن به کار جمهوری اسلامی است. اتفاقاً وجود رهبران محلی بخشهای مختلف جنبش اعتراضی خود بستر مهم و اصلی عروج چهره هایی از میان آنها است که در قامت هدایت گر با اتوریته و سراسری جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه جزو لاینفک تامین کننده رهبری پذیرفته شده کل این جنبش خواهند بود.

### جنبش کارگری در قامت رهبری!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## صورت مسئله اصلی، چه باید کرد، کارگران و

### ما کمونیستها است!

رحمان حسین زاده



فردا یازدهم، ۸ ماه است که سپیده قلیان بصورت وحشیانه توسط نیروهای امنیتی در منزل خواهرش دستگیر و هنوز در زندان به سر می برد. جرم سپیده دفاع از کارگران هفت تبه، حق خواهی و آزادیخواهی است. سپیده قلیان هر چه زودتر باید از زندان آزاد شود. جای سپیده زندان نیست. همه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند



مجمع عمومی ظرف ابراز وجود  
مستقیم و مستمر کارگران است!  
مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر  
نیازی برپا کنید!  
جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

موسوم به "بهار عربی" این واقعیت بدیهی را تاکید میکنند، که جنبش طبقه کارگر بدون کمونیسم و حزب کمونیستی خود و کمونیسم و حزب کمونیستی هم بدون درهم تنیدگی طبقاتی و اجتماعی با طبقه کارگر نمیتواند آزادی و رهایی قطعی انسان را از استثمار و ستم ممکن سازند.

کارگران سوسیالیست و کمونیسم کارگری به عنوان گرایش فی الحال موجود در جنبش کارگری و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از همان ابتدا با رسالت تحکیم همسرنوشتی جنبش کارگری و جنبش کمونیستی پا به عرصه گذاشته است. برای ایفای این نقش تاریخی طبقاتی با تمام توان میکوشیم. با روشن بینی و اراده مصمم محدودیتها و موانع سیاسی و عملی سد راهمان را باید کنار بزنیم. در این مسیر اتکای متقابل کارگران کمونیست و رهبران و فعالین رادیکال و حزب کمونیستی متعلق به طبقه کارگر و درهم تنیدگی مبارزاتی آنها بسیار تعیین کننده است.

ادامه دارد

به منظور پرهیز از طولانی شدن نوشته، در مطلب بعدی به طور مشخص به موقعیت و نقش کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست در تامین رهبری کارگری و کمونیستی میپردازم.

\*\*\*



کارگران و معلمان زندانی،  
کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

توقف جنگ بیدرنگ! نه به جنگ دولتهای سرمایه داری!



ایران و اقصی نقاط جهان برای پرستش و تجلیل خمینی و یا مراسم مضحک "سلام فرمانده" هزینه می کنند که دهها میلیون انسان دغدغه نان شب را دارند و سیر کردن شکم فرزندانشان خواب را از آنان حرام کرده و این جامعه را به یکی از افسردمترین کشورهای جهان سوق داده است.

ما در آنروز خشم و نفرت تل انبار شده دهها میلیون انسان بتنگ آمده از فساد و فقر و

تباهی و جنایت، را نمایندگی کردیم و با سردادن شعار علیه کلیت رژیم فاشیست اسلامی، علیه خامنه‌ای و رئیسی جلاد گفتیم. با بستگان فاجعه آبادان ابراز همدردی کردیم و رژیم اسلامی را بانی این فاجعه عظیم انسانی دانستیم. شعار معلم زندانی، زندانی سیاسی ازاد باید گردد در دقایق اول طنین انداز بود و رفقا سعید آرمان از طرف حزب حکمتیست و حسن رحیمی از فعالین کمونیست با سابقه و عضو شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران در لندن، سخنانی را علیه خمینی جلاد ایراد کردند و گفتن به جنایتکاران اسلامی در خارج از کشور نباید اجازه داد در هیچ جایی قد علم کنند و به راحتی و در آرامش مناسبت‌های سیاسی خود را در مراکز تروریسم پرور خارج کشور برگزار کنند. آنان در داخل معترضان را به گلوله می بندند و معلمان را زندانی و ناچارشان می کنند دست به اعتصاب غذا بزنند. ما این همه بی عدالتی را قبول نکرده و نخواهیم کرد. ما در خارج باید عرصه را به جنایتکاران اسلامی تنگ کنیم. بالغ بر ۴ میلیون انسان از ایران به خارج کشور مهاجرت و یا پناهنده شده‌اند که میتوانند ساعت‌هایشان را با مبارزات مردم ایران کوک کنند و قلبشان با میلیونها قلب که در ایران برای آزادی و رفاه می تپد، بتپد. باید شر رژیم هار اسلامی سرمایه‌داران را از سر مردم کوتاه کرد. زنان و مردان آزادیخواه، کارگران و معلمین آگاه همراه با بازنشستگان گامهای بلندی را برداشته‌اند و هزینه‌های سنگینی تاکنون پرداخته و خواهند پرداخت. این نبرد طبقاتی را کارگران و توده زحمتکش جامعه آغاز کرده‌اند و تا پایان دادن به بساط ماشین کشتار و چپاول کوتاه نخواهند آمد. ما نیز علیرغم فرسنگها فاصله نباید یک لحظه کوتاهی بکنیم. سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای رژیم و سایر اماکن وابسته به آن را شناسایی و مورد تعرض قرار دهیم. دوران این جنایتکاران بسر رسیده و هر گونه مراسم و عرض اندام آنان را همچون مراسم تجلیل از خمینی جلاد به افتضاح بکشائیم.

سعید آرمان

## مراسم تجلیل از خمینی جلاد در لندن

### را به افتضاح کشانیم

سعید آرمان

بلند گوی مرکز تروریسم اسلامی را از سالن بیرون آوردند تا به خیال خود صدای مرگ بر خمینی جلاد در سالن مرکز اسلامی طنین انداز نشود، آنان به جای دور همی و شله‌زرد کوفت کردن تمام انرژی اشان صرف خنثی کردن صدای اعتراضی ما بود. زنده باد ازادیخواهان و کمونیست‌هایی که همت کردند و مردم آزادیخواه و داغدار آبادان، زندانیان سیاسی، بازنشستگان جسور و معلمین آزادیخواه و مطالبه‌گر و کارگران بیزار از استثمار و نظام بردگی مزدی، را نمایندگی کردند.

روز سه شنبه هفته جاری هفتم ماه ژوئن (۱۷ خرداد) مرکز اسلامی لندن، وابسته به خامنه‌ای جنایتکار و جمهوری اسلامی میزبان میهمانانی از لاشخورها و تروریست‌های رژیم اسلامی مستقر در بریتانیا و همچنین وابستگان حزب الله لبنان و سایر تروریست‌های شیعی منطقه بود و به خیال خود در فضایی "روحانی" به "فضیلت‌های" رهبر "فرزانه" شان بپردازند.

اما بسیار زود ورق برگشت و همه خیالات واهی اشان به کابوس و یک افتضاح سیاسی بدل شد. آنان قصد داشتند با گسیل آخوندهای مفتخور و دعوت از آنان برای سخنرانی به تجلیل از مقام والای یک فاشیست به تمام معنی بپردازند، کمونیست‌ها و آزادیخواهان مستقر در لندن از دقایق آغاز مراسمشان در چند قدمی مرکز اسلامی مستقر و با صدای رسا علیه این مناسک مضحک و در تقابل با آن شعار و سخنرانی سر داده شد.

امسال نسبت به سالهای قبل جمعیت بسیار کمتری را توانسته بودن بسیج کنند که بدون تردید نقش اعتراضات هر روزه کارگران، معلمان و بازنشستگان به همراه فاجعه فروریختن متروپل و ایجاد شبهه و تردید در میان طیفی از مجیز گویان و هواداران سابق نظام و شله‌زردخورهای سست عنصر که از رژیم ارتزاق می کنند، مضافا به این فاکتورها عدم استقبال وسیع دانشجویان بورسیه‌ای یکی دیگر از شاخصهای مراسم امسال تجلیل از خمینی جلاد بود.

مراسم امسال اولین مراسم بعد از پاندمی کرونا را در حالی برگزار کردند که جامعه ایران ملتهب تر از هر زمان است. فجایع انسانی عظیم یکی بعد از دیگری خشم و تنفر بحق مردم از رژیم اسلامی را صد چندان کرده است. فجایعی مانند کشتار معترضین دیماه ۹۶، آبان ۹۸، سرنگون کردن عامدانه هواپیمای اوکراینی، سرکوب وحشیانه مبارزات کارگران و معلمان و بازنشستگان و معترضان به بی آبی و رفاه اجتماعی و آخرین مورد آن اعتراضات مردم آبادان و شهرهای اطراف به فروریختن ساختمان متروپل آبادان و کشتن دهها انسان و تعلق در نجات جان قربانیان و به جای آن اعزام نیروی سرکوبگر برای سرکوب اعتراضات. رژیم اسلامی در حالی میلیونها دلار در

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!

## اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

### اعدام جمعی ۱۲ زندانی در زاهدان نشانه استیصال جمهوری اسلامی است!

روز دوشنبه ۱۶ خرداد دوازده نفر از شهروندان بلوچستان توسط جمهوری جنایتکار اسلامی در زندان زاهدان به جوخه های اعدام سپرده شدند. اتهام اعدام شدگان ارتکاب قتل و مسئله مواد مخدر بوده است. رژیمی که مظهر قتل عمد دولتی در دنیا است، حکومت تروریستی که نماد شاخص سازماندهی باندهای قتل و جنایت و موادمخدر در جهان است، با اقدام جنایتکارانه اعدام جمعی و اساساً متکی بر پرونده سازی بی پایه فقط کارنامه سرپاقتل و جنایت خود را سنگین تر میکند.

اعدام جمعی ۱۲ نفر در زندان در شرایطی اتفاق می افتد، که جمهوری اسلامی با دوره جدیدی از جنبش سرنگونی برحق و برخاسته از اعماق جامعه روبرو است. جنبش اعتراض توده ای کوبنده در استان خورستان و آبادان و تبریز و مشهد و بسیاری شهرهای دیگر عرصه را بر جمهوری اسلامی تنگ کرده و خامنه ای و سران ریز و درشت آن با کابوس پایان عمر "نظامشان" دست و پنجه نرم میکنند. در چنین شرایطی اعدام جمعی ۱۲ نفر از زندانیان در زاهدان نه یادآور قلدربها و زورگوییهای گذشته حکومت جنایت پیشه جمهوری اسلامی، بلکه انعکاس استیصال و زبونی آنها است. دوران ترس و ارباب گذشته است. ادامه فشارها و سرکوبگریها و پرونده سازی علیه شهروندان و زندان و اعدام دیگر مانع خروش اجتماعی مردم به تنگ آمده برای پایان دادن به حکومت جمهوری اسلامی نیست.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست قتل جمعی و عامدانه دوازده نفر از شهروندان بلوچستان را قویاً محکوم میکند. از مردم بلوچستان و سایر استانهای کشور می خواهد با گسترش و استمرار دوره جدید اعتراضات، بیش از پیش جمهوری اسلامی را به لبه پرتگاه و سقوط نهایی سوق دهند. آن روز دور نیست که با سرنگونی جمهوری اسلامی همه سران و جنایتکاران این رژیم را به سزای اعمال جنایتکارانه شان میرسانیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
 زنده باد جمهوری سوسیالیستی!  
 حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
 ۱۷ خرداد ۱۴۰۱ - ۷ ژوئن ۲۰۲۲

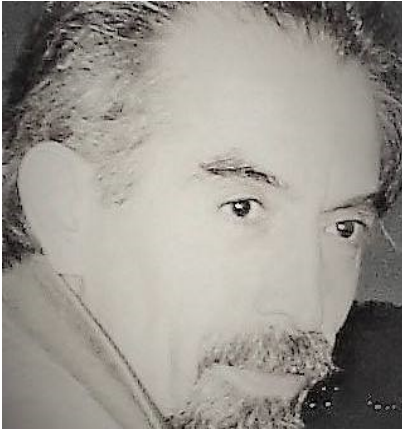
### بازنشستگان امروز گل کاشند!

امروز دوشنبه ۱۶ خرداد بازنشستگان در شهرهای مختلف ایران تظاهرات و اجتماعات گسترده برگزار کردند. اجتماعات در رشت و تبریز به درگیری با نیروی انتظامی و اعتراض تند منجر شد. بازنشستگان خواستهای برحق خود از جمله همسان سازی حقوق و دستمزدها را میخواهند و به وعده های بارها داده شده و پشت گوش انداخته شده تامین اجتماعی اعتراض دارند. بازنشستگان علیه «وزیر بی لیاقت» شعار دادند. در تبریز بازنشستگان در محاصره نیروی انتظامی با فشار سد را شکستند و با راهپیمایی گسترده شعار «مرگ بر رئیسی» سر دادند.

جمهوری اسلامی در خواب و خیال است اگر فکر میکند با سرکوب میتواند بازنشستگان را ساکت کند. سونامی اعتراض کارگران و مردم محروم در سراسر ایران هر روز بیشتر از دیروز حکومت فقر و فساد و فلاکت را زیر فشار قرار داده است. بازنشستگان امروز گل کاشند، درود بر عزم و اعتراض متحد بازنشستگان و مستمری بگیران.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
 آزادی، برابری، حکومت کارگری  
 حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
 ۱۶ خرداد ۱۴۰۱

آموزش رایگان برای همگان!



## چلبی های پلاستیکی

### این جنگ قدرت سیاسی است، شوی سیاسی نیست

سباوش دانشور

برسر هرچه توافق نباشد، تا اطلاع ثانوی برسر اینکه چلبی ایرانی رضا پهلوی است توافق دارند.

این دمکراتهای بدلی و چلبی های پلاستیکی حتی از خود رضا پهلوی کمتر اعتماد بنفس دارند. کسانی که علیه کمونیستها زبان و ادبیات فاشیستی دارند اما حاضرند هرچه جلویشان بگذارند مزمره کنند. آنچنان از «شاهزاده» سخن میگویند که گویی هفت پشت شان ناخور و وردست دربار شاهان بوده اند. و این ابدا غیرمنتظره نیست، این جماعت همانهایی هستند که عمدتاً جمهوری اسلامی و خمینی را روی کول گرفتند و بخشا تا همین اواخر هوادار رژیم سفاک اسلامی بودند. برای بورژوازی ایران شمایل شخصیتی که نمایندگی شان کند ثانوی است، آنچه مهم است نیاز واقعی این طبقه در دوره های تعیین کننده و سرنوشت ساز است.

برای جنبش طبقه ما، برای کمونیسم کارگری، این جنجال رسانه ای تکراری ابدا جدید و شوکه کننده نیست. ما توهمی به سیاست و اهداف بورژوازی ایران نداریم. ما تردید نداریم وقتی امواج خیزش انقلابی زبانه بکشد، با هزار و یک شیوه تلاش خواهند کرد در مقابل مان نقطه سازش قرار دهند، بعضاً سیاستهای معرفه جنبش ما را بقایند، موقتا به سازشی با طبقه کارگر تن دهند و در مقابل قدرتگیری کمونیسم سنگربندی کنند. امروز برای انزوا و حاشیه ای کردن جنبش ما تلاش خواهند کرد و فردا گلوله هایشان را به سمت مان نشانه خواهند رفت. این بورژوازی است، هار و مرتجع و سرکوبگر، ضد کارگر و ضد آزادیخواهی و بشدت ضد کمونیست.

آنچه در جریان است یک جنگ قدرت است. کلیدی ترین سوال در دوره های بحران سیاسی و انقلابی مسئله قدرت سیاسی است. آنها، بورژوازی، برای اعاده و بازسازی قدرت طبقه شان تلاش می کنند. در این راه هیچ مرزی نمی شناسند و به هر ردالتی دست خواهند برد.

برای ما چه بعنوان حزب سیاسی و چه بعنوان جنبش طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی نیز این جنگی برسر قدرت سیاسی و برسر آینده است. ما کمترین توهمی نداریم که برای پیروزی نه فقط رژیم اسلامی و ارکانهای قدرتش بلکه کل نظم بورژوائی را باید درهم بکوبیم. راه حل میانی ای وجود ندارد. این دوره عقاید سانتی مانتال و وسط ایستادن نیست، این دوره جنگ است و از قانون جنگ سهمگین طبقاتی تبعیت می کند. هر کارگر و کمونیستی که از قانون این نبرد تبری جوید، تنها راه سلاح خانه انقلاب و اهداف انقلابی و سوسیالیستی

صفحه ۷

موجی از خوشبینی و نگرانی بدنبال پیام رضا پهلوی میان سیاسیون و فعالین اپوزیسیون دیده میشود. خوشبینی از اینرو که پروژه های تاکنونی برای آلترناتیو سازی شکست خورده است و امیدی به صف ناامید و دبیرس به میان نیروهای پراکنده این خط اعم از سلطنت طلبان و جمهوریخواهان و ملیون و قوم پرستان برده است. رضا پهلوی فی الحال کوله بار شکست چند پروژه «برسر و صدا» و توخالی را حمل میکند و میان هوادارانش به این دلیل که دیگر حوصله شاهی ندارد و یا ادعای رهبری و قبول مسئولیت ندارد مورد انتقاد شدید است. با اینحال نمله های مختلف اپوزیسیون بورژوائی جانی تازه گرفتند و مجیزگویان از راست فاشیست فرسگردی تا جمهوریخواه و ناسیونالیست و انواع چپهای صورتی را امیدوار و الکن کرده است. در طیف مقابل با موجی از نگرانی روبرو هستیم. نگرانی ای که بخشا پایه مادی دارد و به تجارب رویدادهای منطقه و تجربه ۵۷ ایران متکی است. این تصور که سناریوی انقلاب ۵۷ پشت در سیاست ایران است، بیش از هر زمانی قوت گرفته است.

آنچه که سخنان تکراری و کسالت آور و بدون اعتماد بنفس این بار رضا پهلوی را با دوپینگ رسانه ها بیشتر از سابق مورد توجه قرار داده است؛ اساساً دور جدید برآمد توده ای علیه حکومت منحوس اسلامی و وضعیت بشدت بحرانی حکومت، دورنمای بن بست مذاکرات برجام و امکان اعمال فشار بیشتر و حتی امکان گسترش درگیری نظامی در منطقه، و بالاخره اظهارات خامنه ای در مناسک مرگ خمینی جنایتکار است. این اپوزیسیون امیدش را به کسی بسته است که حتی نمیتواند متن از قبل آماده شده برای وی را از رو درست هم بخواند.

واقعیت اینست که جنگ کارگران و مردم بجان آمده با حکومت به مراحل جدید و تعیین کننده ای رسیده است. امکان سرنگونی حکومت بیش از هر زمان وجود دارد و مردم عاصی دنبال منفذ و فرصتی برای تعیین تکلیف هستند. به این معنا، زمانی که سقوط نظام اسلامی مسجل شود، تلاش برای شکل دادن به آلترناتیوی جایگزین توسط دولتهای غربی قویتر میشود و ماتریال آن را از نیروهای داخل رژیم، اپوزیسیون مجاز، تکنوکراتها، جمهوریخواهان و ملی اسلامی های تازه دمکرات و رژیم سابقی ها سرهم خواهند کرد. اپوزیسیون بورژوائی فاقد رهبر، هر اندازه به دمکراسی قسم بخورد و ادای تمرین دمکراسی دربیآورد، همانطور که همه دیدیم، در چشم به هم زدنی به مشتگی مجیزگوی این «سرمایه سیاسی» و چلبی ایرانی بدل شد. ظاهراً

کارگران جهان متحد شوید!

## چلبی های پلاستیکی

### این جنگ قدرت سیاسی است، شوی سیاسی نیست

سیاوش دانشور

را هموار میکنند.

قدرت سیاسی است و نه نصایح خردورزانه و نسخه‌های پوچ و ایده‌آلیستی. در صف مقابل ما فاشیسم عریان و فاشیست‌های با نقاب و بالقوه صف کشیده اند. بورژوازی ایران تمدن ندارد، سنت دمکراتیک ندارد، مبشر هیچ درجه از آزادیخواهی و انساندوستی در آن مملکت نبوده است. تاریخ شان مملو از جنایت و تائید جنایت و کرنش به حکومت جنایتکاران است. جای هیچ توهمی نباید وجود داشته باشد، جنگ به معنای وسیع کلمه تازه آغاز شده است و راوندهای مختلف و متضادی خواهد داشت.

در قیاس با بورژوازی نیروی اجتماعی و طبقاتی ما در جامعه وسیع و هولناک است اما بدون رهبری قاطع و سازمان مناسب دوره انقلابی، بدون فدائیکاری انقلابی و کارگری، پیروزی سهل است، پیشروی های تاکتونی هم از دست میرود و بخش مهمی از نیروی طبقه ما را صف ارتجاع سیاسی می بلعد. جنبش ما باید سیاسی و روشن بین و انقلابی باشد، هر ذره تزلزل و سیاستهای مذبذب و معدلگیری و سازشکاری با کمپ راست و بورژوازی در این دوران، تنها گور چپ و کارگر و کمونیسم را می کند. هر کسی میتواند هرچه بخواهد و برای هرچه تلاش کند، کارگران و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی، کمونیسم ایران، چلبی نمیخواهد و محکم در مقابل این سناریوها و هر دولت بورژوائی به هر طرق لازم خواهد ایستاد. معادله ایندوره اینست: یا ما یا بورژوازی!

۶ ژوئن ۲۰۲۲

چلبی های پلاستیکی، مستقل از اینکه راجع به خود چه میگویند و یا چه وعده ای به ما می دهند، اما ناچارند بزودی ردای رضاخان‌ها و خامنه‌ای‌ها را برتن کنند. ناچارند از ارتش و سپاه و بوروکراسی و ماشین سرکوب و دستگاه مذهب و مالکیت خصوصی دفاع کنند. ناچارند تضمین کننده سرکوب کمونیسم و کارگر در ایران باشند و گرنه دربان کاخ سفید و وزات خارجه آمریکا حتی جواب سلامشان را نمی‌دهد. دمکراسی کشک ترین متاع تبلیغاتی در ایندوران تحول است. بورژوازی به نماینده صالح و خشن و صریح خود نیاز دارد. کمونیسم و کارگر نیز بیشتر از هر زمان.

چلبی‌های ما پایه اجتماعی دارند اما تنها میتوانند از طرق کودتائی و رژیم چینج به قدرت دولتی نزدیک شوند و موظفند که دستگاه نظم کنونی را حداقلامکان از گزند ضربات انقلاب مصون دارند. آنها تنها با کودتا و اشکال دست بدست کردن قدرت و حداکثر دخالت کنترل شده مردم میتوانند سرکار بیایند.

ما با انقلاب و روی دوش اردوی کارگری و انقلابی به قدرت نزدیک می شویم و سر کار می آئیم. شرایط نبرد برای دو طرف ابدا یکسان نیست، امکانات یکسان نیست، دشمنان ما بشدت قوی اند و حتی از درون نیز مورد حمله قرار می گیریم. اما ما در این جنگ با تمام قدرت و امکانات جنبش مان و در صف اول شرکت می کنیم. این جنگی برسر

## دو قطبی های کاذب جایگزین جدال

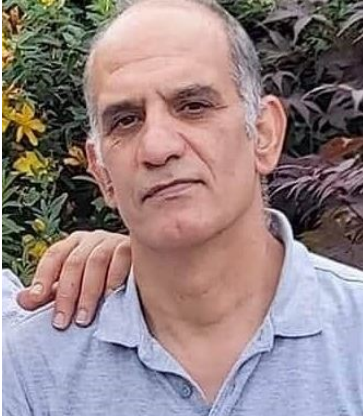
### واقعی آلترناتیوها

جاوید حکیمی

طبقه کارگر ایران را می بوسد همچنانکه تاج و تخت پادشاهی را نیز کارگران نفت به باد دادند. درست به همین دلیل با هر خیزشی که پایه های حکومت عمامه سران را سست می کند بلافاصله جریانی سعی می کند با سر دادن شعار کذایی رضا شاه روح شاد توده ها را منفعل و خیزش را اهسته اهسته به کما ببرد. مساله این نیست که فقط سربازان گمنام امام زمان این شعار را سر می دهند، سخن این است که این پروژه نه فقط علیه جنبش و آلترناتیو چپ طراحی شده بلکه با تراشیدن دشمن موهوم، در خدمت خروج حکومت از بحران ناشی از خیزش توده ها عمل می کند.

بدینسان هر گونه امید بستن به اپوزیسیون راست و امید اتحاد با او ولو موقت و صرفاً برای سرنگونی، افتادن در تله حکومت اسلامی و حامیان جهانی اوست.

**توقف جنگ بیدرنگ! نه به جنگ دولتهای سرمایه داری!**



## دو قطبی های کاذب جایگزین جدال

### واقعی آلترناتیوها

جاوید حکیمی

معرفی می کند. اخوندها خوب می دانند این شیر بی یال و نم و اشکم همانقدر برای رژیم اسلامی خطرناک است که احمد شاه قاجار برای سلسله پهلوی.

از سوی دیگر رضا پهلوی نیز که تقریباً در هیچ عرصه ای از اعتراضات داغ و خونین اجتماع ردپایی ندارد، بر بستر خیزش توده ها و شعارهای انحرافی توسط وزارت اطلاعات، ناگهان مجال می یابد برای خودنمایی نزد مردم و خودفروشی نزد صاحبان سرمایه؛ امری که این روزها بازار آن بشدت داغ است و به احزاب و افراد چپ نما نیز سرایت کرده است؛ به قول مولانا هر یک بتر از دیگر. مشکل این شیر ژیان دشت ایران فقط این نیست که با فعالیت سیاسی و سازماندهی و امور مربوط به مبارزه بکل بیگانه است بلکه حتی توانایی یک سخنرانی مهیج و شورانگیز و بسیج کننده را هم ندارد. جایی که انتظار می رود به مثابه رهبر توده های خشمگین، با فریادهای آتشین و برخاسته از دل شهر را به آشوب بکشد، از روی متن و توأم با تیق با عجز و لابه از مردم تمنا می کند کمتر خشونت به خرج دهند، قوای سرکوبگر کمتر قتل عام کنند، گروهها و سازمان های سیاسی کمتر یکدیگر را تخریب نمایند و لاپایلاتی از این دست. بطور کلی خمیرمایه این بشر را برای هر امری ساخته باشند به کار سیاست نمی آید؛ شاید هم برای هیچ کاری.

حقیقت این است امپریالیست ها هنوز و همچنان مماشات با حکومت اسلامی و رام کردن این اسب چموش را بر کلیه پروژه های تغییر از بالا و فشار از پایین ترجیح می دهند. وقتی آمریکایی ها در افغانستان زیر پای اشرف غنی را خالی کردند و قدرت را به فسیل های از غار برخاسته طالبان سپردند پرواضح است در ایران برای امثال رضا پهلوی تره خرد نکنند. جامعه ایران همانا بدان سبب که بشدت آماده یک انفجار اجتماعی است حتی اصلاحات سیاسی کوچک و کنترل شده از بالا طوری که پای توده ها به میدان سیاست کشیده نشود در آن غیر ممکن می نماید چه رسد به تغییرات اساسی در ساختار حکومت.

چنین به نظر می رسد جمهوری اسلامی حتی اگر کشور را به منتهی الیه فروپاشی بکشاند و به رغم شیطنت هایی که اینجا و آنجا علیه امپریالیست ها می کند همچنان از حمایت اشکار و نهان جهان سرمایه برخوردار خواهد بود. شاهد این ادعا و اکشن امریکا و ناتو مقابل روسیه و پوتین در مقایسه با حکومت اسلامی و خامنه ای است. جهان نمی خواهد تن به ریسک رژیم پنج در ایران بدهد و به اعتبار می شود گفت اپوزیسیون بورژوازی حکومت اسلامی را به بازی گرفته است. اگر زلنسکی مترسکی دست ناتو بود برای مقابله با نفوذ روسیه، رضا پهلوی حتی جایگاه آن مترسک سر جالیزار را هم نزد آنان ندارد. خوب یا بد، درست یا غلط حکم این است؛ اکنون نه فقط انقلاب کارگری بلکه حتی سرنوینی حکومت اسلامی نیز دست

درست در گرماگرم سقوط متروپل و اعتراض گسترده زحمتکشان ابادان و کل خوزستان، ناگهان خبری مبنی بر اولتیماتوم به قوای سرکوبگر حکومت از جانب باصطلاح سران قبایل لر و شیوخ عرب منتشر شد. به رغم آگاهی عمومی در خصوص گزافه بودن این تهدید میان تهی، انتشار آن اما در فضای ملتهب جامعه بی تاثیر نبود بدین معنا که لایه های تحتانی و منفعل توده ها را اندکی امیدوار و پیشاهنگان جامعه را قدری نگران ساخت. در نهایت چنانکه انتظار می رفت رژیم میدان را از بیم این محافل غیبی خالی نکرد و خبری هم از سواران مسلح نوادگان سردار اسعد بختیاری و شیخ پشم الدین های مرتجع نشد. بدینسان زمینه برای صحت این فرضیه قوت گرفت که این هارت و پورت های توخالی محتمل است کار وزارت اطلاعاتی ها با هدف خالی کردن خیابان توسط معترضین خشمگین باشد.

متعاقب ابراز وجود این شاخه های بی وجود کمپ راست، پیام ویژه شاهزاده رضا پهلوی به هم میهنان عزیزش نیتز نخست رسانه ها گردید. اگر شیوخ مرتجع عرب و لر لاف تصرف شهر با سواران مسلح و سرود دایه دایه را می آمدند شازده اما به سیاق همیشگی جز سخنرانی زنده مقابل اصحاب رسانه و دوربین های متعدد چیزی در چنته نداشت. فشرده پیام ویژه نامزد ریاست جمهوری و سلطان سوگند خورده چنین بود: هم میهنان عزیزم، به نیروی اتحاد و یگانگی و با ایجاد ساز و کاری در داخل، ایران را از فرقه تبهکار پس بگیرید. بدانید در این راه تنها نیستید. من با شما هستم. به زبان آدمیزاد یعنی هم میهنان عزیزم، دشمن را بگیرید و ببندید و بدهید دست من پهلوان- بورژوازی ایران از آغاز همین بوده، گزافه گو و بی مایه. پرمسلم است و ازگونی حکومت اسلامی از رهگذر کنفرانس های خبری و رجزخوانی های آبکی نمی گذرد. خاصیت در بوق کردن این الدورم بلدورهای رسانه ای و لاجرم توخالی، حاشیه بردن جدال واقعی طبقاتی و در سایه قرار دادن رهبران راستین طبقه کارگر و افشار زحمتکش است.

اکنون دیگر مسجل شده است که حکومت اسلامی و نیز اپوزیسیون بورژوازی بطور همزمان و با اهداف متفاوت در پروژه رواج دو قطبی قلابی شاه و شیخ، رضا پهلوی و خامنه ای ذیففع هستند و به جد آن را دنبال می کنند. حیرت انگیز اما واقعی است که عوامل وزارت اطلاعات ضمن شناسایی و بازداشت رهبران و سازماندهندگان تظاهرات بر سر قضیه سرعت آب و همچنین در ماجرای سقوط متروپل، در عین حال خود مبتکر شعار کاملاً بی ربط "رضا شاه روحش شاد" وسط جمعیت می شوند. در واقع حکومت به این طریق مستقیماً به پاشنه اشیل اپوزیسیون راست حمله می کند چرا که اولاً این شعار، فریاد مرگ بر دیکتاتور را از حیز انتفاع ساقط و عملاً آن را مضحک جلوه می دهد؛ ثانیاً رضا پهلوی را به مثابه رهبر معترضین و دشمن اصلی حکومت





"انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتاً نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با همه این سرمایه‌گذاریها و تلاشها توانست برای موکلین مستاصل رژیم شاه بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور می‌جسبد و حلقه بعدی آن است."

## ۲۰ سال گذشت: ۳۰ خرداد ۶۰

### گفتگوی منصور حکمت با رادیو انترناسیونال

۲۳ خرداد ۱۳۷۹

رادیو انترناسیونال: اجازه بدهید با یک نقل قول از مقاله "تاریخ شکست خوردگان" که در سال ۱۳۷۵ بچاپ رسید، شروع کنیم. شما در پایان این مقاله نوشته اید:

"بالاخره، انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتاً نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با همه این سرمایه‌گذاریها و تلاشها توانست برای موکلین مستاصل رژیم شاه بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور می‌جسبد و حلقه بعدی آن است."

این نوشته شما کاملاً با تصور عمومی از انقلاب ۵۷ متفاوت است. در تصور عمومی جمهوری اسلامی حاصل انقلاب ۵۷ است. ولی شما جمهوری اسلامی را به رژیم سلطنت و ۱۷ شهریور را که سرکوب خونین جنبش انقلابی مردم توسط رژیم شاه بود را به ۳۰ خرداد وصل کرده‌اید و این دو تاریخ را دو مقطع از سرکوب انقلاب نامیدید. چرا؟

منصور حکمت: بنظر من هر انسان بیطرفی که به آن تاریخ نگاه کند (و من توصیه می‌کنم که بخصوص کسانی که خودشان تجربه زنده‌ای از آن دوران ندارند، حتماً آن تاریخ را بازبینی کنند) می‌بینند که ماجرا چنین بود که مردم علیه استبداد سلطنتی با پلیس مخفی‌اش، با زندانهایش، با شکنجه‌هایش بپاخواستند. در آن جامعه آزادی بیان وجود نداشت، آزادی مطبوعات وجود نداشت، آزادی تشکل و فعالیت اتحادیه کاری وجود نداشت، آزادی فعالیتهای سوسیالیستی وجود نداشت، آزادی هیچگونه فعالیت سیاسی وجود نداشت. یک حکومت مستبد، فردی، متکی به ارتش، پلیس و پلیس مخفی بود. جامعه‌ای بود دستخوش بیشترین نابرابری اقتصادی، فقر عظیم در کنار ثروتهای انبوه. مردم علیه اینها بپاخواستند، برای برابری، برای آزادی از چنگال اختناق سیاسی و استثمار اقتصادی. این به انقلاب ۵۷ معروف شد.

وقتی معلوم شد که رژیم شاه از سرکوب این جنبش ناتوان است، جنبش اسلامی که بعنوان یک جریان مرتجع، علیه مدنیت، علیه مدرنیسم اجتماعی، علیه حقوق زنان، علیه رشد، یک جنبش عقب مانده ارتجاعی، از قدیم در گوشه‌ای از جامعه ایران بود، پر و بال می‌گیرد. یکی از شخصیت‌های این جنبش، یعنی خمینی، که در عراق تبعید بود را برمی‌دارند و به پاریس می‌برند و زیر نورافکن می‌گذارند. از آن وقت رسانه‌ها و دولتهای غربی وسیعاً جریان اسلامی را بعنوان آلترناتیوی که میتواند و باید جای حکومت شاه بنشیند تبلیغ میکنند. بالاخره ژنرال هویرز از طرف دولت آمریکا می‌آید با ارتش صحبت میکند و وفاداری ارتش را به خمینی می‌گیرد. بخش بزرگی از اپوزیسیون ملی و سنتی آن موقع، جبهه ملی و حزب توده و غیره به جریان اسلامی اعلام وفاداری میکنند و جریان اسلامی به این ترتیب به صدر مبارزه علیه سلطنت

رانده میشود. مردم بر خلاف میل جریان اسلامی قیام میکنند، قیام ۲۲ بهمن، و بالاخره ارتش شاه را در یک رو در روی نظامی شکست میدهند. اما محصل این روند پیدایش یک حکومتی است تحت رهبری و کنترل جریان اسلامی.

منتهی آن دو سال و نیمی که از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ می‌گذرد، به معنی اخص کلمه هنوز دوره حکومت جمهوری اسلامی نیست... یک دوره نسبتاً باز فعالیت سیاسی است که دولت زورش نمیرسد وسیعاً سرکوب کند، هر چند چماقداری هست، چاقو کشتی هست، اسلامگیری هست. خلخالی همان موقع برای رژیم جلادی میکند، با این وجود رژیم این قدرت را ندارد که جنبش همچنان رو به اعتلای مردم را به آن شدت سرکوب و خنثی کند. احزاب سیاسی از همه جا سر درمی‌آورند، کتابهای مارکس و لنین همه جا بفروش میرسد، سازمانهای کمونیستی روزنامه منتشر میکنند، شوراهای کاری بوجود می‌آیند، سازمانهای مختلف زنان بوجود می‌آیند، موج اعتراضی بالا می‌گیرد. تا اینکه در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ که یک کودتای خونین ضد انقلابی-اسلامی صورت می‌گیرد. هجوم می‌آورند و روزی ۳۰۰ نفر، ۵۰۰ نفر را در اوین و سراسر کشور اعدام میکنند، روزنامه‌ها را می‌بندند و مخالفانشان را تار و مار میکنند. این آن پدیده‌ای است که باعث شد جمهوری اسلامی امروز وجود داشته باشد. مقطع پیدایش و تثبیت جمهوری اسلامی، ۳۰ خرداد ۶۰ است، نه ۲۲ بهمن. ۲۲ بهمن انقلاب مردم است ولی از ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ (که روز تیراندازی ارتش شاه به مردم و کشتار در میدان ژاله بود) تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ فاصله‌ای است که در آن نیروها و دولتهای دست راستی سعی کردند جلوی انقلاب مردم را بگیرند. و بالاخره ۳۰ خرداد مقطعی است که این سرکوب صورت می‌گیرد.

خوب است یادآوری کنم که اعدامهای حکومت اسلامی اساساً از روی لیست کسانی بود که در رژیم شاه به زندان افتاده بودند. کسی که در رژیم شاه دو ماه حبس گرفته بود در حکومت اسلامی اعدام شد. همان کسانی را زدند و کشتند که رژیم شاه میخواست بزند و بکشد و نمیتوانست...

رادیو انترناسیونال: یعنی جمهوری اسلامی کار سرکوب انقلاب را که شاه از پس آن برنیامد، تمام کرد و در واقع از مردمی که علیه رژیم شاه انقلاب کرده بودند انتقام گرفت. ولی چطور توانست اینکار را انجام دهد؟ چون تا همان دیروز ۳۰ خرداد روزنامه‌های چپی بودند، تظاهرات انجام میشد، و علیرغم دستگیریها و جنگ و جدال با چماقدارها، آزادی وجود داشت. ۳۰ خرداد چه ویژگی داشت که حکومت اسلامی توانست خود را تحکیم کند و جنبش انقلابی دیگر نتوانست سر بلند کند؟

منصور حکمت: این یک کودتای خشن بود و بر مبنای اعدام و کشتار وسیع پیروز شد. مثل امروز نبود که ۱۶ تا روزنامه دوستان

صفحه ۱۰

**علیه جنگ ارتجاعی، علیه ریاضت اقتصادی!**

آدمها را در این بیست سال مرور کنند، و بخصوص ماهیت اختلافات امروز اینها را بشناسند.

در مقطع ۳۰ خرداد اینها با هم اختلافی بر سر این نداشتند که حکومت اسلام را با گشت و کشتار علیه آزادیخواهی مردم سر پا نگهدارند. اینکار را کردند. الان هم، تحت شرایط متفاوتی تلاششان همین است. میخواهند حکومت اسلام را در مقابل آزادیخواهی مردم سر پا نگاه دارند.

رادیو انترناسیونال: آیا میشود گفت که به این ترتیب دوم خردادها از سیاست خودشان در ۳۰ خرداد پشیمان هستند و فکر میکنند باید طور دیگری عمل میکردند؟

منصور حکمت: ایدا! دوم خردادها الان خودشان با افتخار به شما خواهند گفت که همان ۳۰ خردادها هستند. از ۳۰ خرداد ابراز پشیمانی نمیکند، البته بعدها در دادگاه‌هایشان خواهند کرد، ولی الان نمیکنند. الان کاری نمیکنند که از "خودیت" خودشان کم کنند. ۳۰ خرداد نهایتاً همان شاخصی است که خودی و غیرخودی را تعریف میکند. تعریف خودی کسی است که از "نظام" در مقابل مخالف دفاع کرده است و ۳۰ خرداد مهمترین مقطع این پدیده است. ۳۰ خرداد مقطع تولد جمهوری اسلامی است. اگر کسی از این جماعت علیه ۳۰ خرداد بایستد دارد از جرگه خودی‌ها یا بیرون میگذارد.

بنظر من دیر یا زود، و خیلی زودتر از زمانی که سران حکومت فکر میکنند، محاکمات آزاد مردم برای رسیدگی به جرائم ضد بشری اینها شروع خواهد شد. اینها کسانی نیستند که بتوانند پولهایشان را بردارند و بروند لس‌آنجلس. سر و کار بسیاری از اینها دیر یا زود به محکمه‌های مردم میافتد. یکی از قلمروهایی که باید در این دادگاهها به آن پرداخته شود، ماجرای ۳۰ خرداد است و اینکه هر کدام از این افراد در مورد آن تاریخ چه میداند، در آن تاریخ چه نقشی داشته، و چه چیزی را میتواند علنی و افشا کند و از درد آن فاجعه تاریخی برای جامعه کم کند. رادیو انترناسیونال: حزب کمونیست کارگری یک کمپین افشای واقعه ۳۰ خرداد و گرامیداشت جانباختگان ۳۰ خرداد سازمان داده است. هدف از این کمپین چیست؟

منصور حکمت: فکر میکنم ۶۰-۷۰ درصد مردم کسانی هستند که ۳۰ خرداد را یادشان نیست. ولی این مقطع مهمی در پیدایش جمهوری اسلامی است. ما میخواهیم این را به نسل امروز در ایران و جهان یادآوری کنیم که جمهوری اسلامی که امروز سر کار است محصول یک جنایت بزرگ ضد بشری است. این اولاً باید بخاطر بیاید، ثبت باشد، گفته شده باشد، افشا بشود و فراموش نشود.

ثانیاً این آدمها هنوز در صحنه هستند. همان آدمهایی که ۳۰ خرداد ۶۰ به بعد آن قتل و جنایت را سازمان دادند هنوز سیاستمداران آن کشورند. وکیل مجلس‌اند، در کابینه‌اند، رئیس قوه قضائیه‌اند، رهبرند، رئیس ارتش‌اند، سران سپاه پاسداران‌اند. نبرد با اینها ادامه دارد. پرونده اینها نزد مردم مفتوح است، پرونده عاملین جنایت ۳۰ خرداد. اینهم یکی از عرصه‌های مبارزه علیه حکومت اسلامی، علیه بنیادهایش، علیه شخصیت‌هایش از خمینی و بهشتی، تا خاتمی و خامنه‌ای و رفسنجانی و گیلانی، و همه کسانی است که در این روند نقش داشته‌اند و این بخشی از جدال ما با جمهوری اسلامی است.

به نقل از انترناسیونال هفتگی شماره ۵۸

۲۵ خرداد ۱۳۸۰ (۱۵ ژوئن ۲۰۰۱)

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمک مالی کنید!

## ۲۰ سال گذشت: ۳۰ خرداد ۶۰

### گفتگوی منصور حکمت با رادیو انترناسیونال

خودشان را ببینند و طرف برود خود را به دادگاه معرفی کند و هنوز آقای فلانی خطابش کنند. ریختند در خیابان و هر کسی که بنظرشان قیافه‌اش مثل مسلمین نبود را گرفتند، گفتند این یکی در جیبش فلفل و نمک داشته میخواست بریزد به چشم سپاه و کمیته‌چی‌ها. کسی شعری گفته بود، کسی که معلوم بود سوسیالیست است، کسی که معلوم بود مدافع حقوق زن است، کسی که بی حجاب راه میرفت، کسی که از ظاهرش فکر میکردن چی است، میگرفتند میبردند همان شب میکشند. امار و ارقام و مدارک و شهود این جنایات به وفور وجود دارند. روزی خواهد رسید که مردم ایران و جهان میشینند و محاکمه عوامل این جنایات را تماشا میکنند. در آن روز دنیا برای صدها هزار قربانی جنایاتی که در ۳۰ خرداد ۶۰ و بعد بطور مداوم و سیستماتیک در سالهای بعد و بویژه سال ۱۳۶۷ در ایران شده است، اشک خواهد ریخت.

این از جنایات عظیم قرن بیستم بود. قابل مقایسه است با آلمان نازی، قابل مقایسه است با گشت و کشتار در اندونزی، قابل مقایسه است با نسل‌کشی در رواتا، به مراتب وحشتناکتر از وقایعی است که در شبلی اتفاق افتاد. یکی از فجایع مهم و تراژدیهای مهم انسانی قرن بیستم است. زدند، سرکوب کردند، کشتند، در گورهای بدون نام و نشان دفن کردند، آدمهای بسیار بسیار زیادی را، نازنین‌ترین و پرشورترین و آزادیخواهترین انسانها را، بقتل رساندند تا سر کار بمانند.

رادیو انترناسیونال: رهبران جمهوری اسلامی که الان بجان هم افتاده‌اند، در آن موقع، همه با هم در این سرکوب شریک بودند، منظوم جناح راست و دوم خرداد است که چند تا از دوی خردادها را اسم ببرم... بهزاد نبوی آن موقع سخنگوی دولت بود و الان از رهبران جبهه دوی خرداد است، جباریان از سازمان دهندگان سازمان مخوف اطلاعات بود و خود خاتمی در دولت بود. چطور شد که اینها یکپارچه از سرکوب ۳۰ خرداد بیرون آمدند و الان بجان هم افتاده‌اند؟

منصور حکمت: جناح‌بندی همان موقع در جمهوری اسلامی وجود داشت ولی همین جناح‌بندی که الان میبینیم نبود. بطور مثال مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی و خط امامی‌ها در صف مقدم حکومت بودند. صف‌بندی‌ها طور دیگری بود. نهضت آزادی که الان بخشی از جبهه دوی خرداد است، خود اولین قربانی خط امامی‌هایی بود که خود آنها هم الان بخشی از جنبش دوی خرداد هستند. دولت آنموقع دست این خط امامی‌ها بود. منظوم کابینه است. همانطور که گفتید، بهزاد نبوی سخنگوی دولت رجایی بود. این پدیده دوی خرداد که بعداً بوجود آمده دربرگیرنده بسیاری از عناصر و محافلی است که در آن موقع سردمدار سرکوب بودند. خیلی از اینها که الان شاگرد ولتر شده‌اند و دموکرات شده‌اند و بخودشان میگویند روزنامه نگار، پاسدار و بازجو و شکنجه گر و مسئول اعدام مردم بودند. در نتیجه این تجربه مشترک هر دو جناح است. دوم خرداد همانقدر در سرکوب ۳۰ خرداد سهیم است و همانقدر اصل و نسبتش به ۳۰ خرداد میرسد که امثال لاجوردی و گیلانی و خمینی و خامنه‌ای. این دولت اینها بود. خمینی، که اسمش باید بعنوان یک مرتجع جلال و جنایتکار علیه بشریت در سینه تاریخ ثبت بشود، در رأس این حرکت بود و کل این جماعت دنبالش سینه میزدند. فکر میکنم که خیلی مهم است مردم ایران آن تاریخ را ورق بزنند، این

زنده باد همبستگی مبارزاتی کارگران!

## سیاوش دانشور

## سیاست ما در قبال تحولات جمهوری اسلامی در خارج کشور

امروز پنجشنبه ۱۹ خرداد، انقلابیون در استکهلم در مقابل محل دادگاه نوری درس دیگری به عوامل جمهوری اسلامی دادند. مزدوران رژیم اسلامی استکهلم را با قم و مشهد عوضی گرفته بودند. واقعا دست رفقای مبارز در استکهلم درد نکند که هیچ رقم کوتاه نمی آیند. دیروز چهارشنبه ۱۸ خرداد، انقلابیون در لندن مراسم خمینی قاتل را زهرمارشان کردند.

امیدوارم مجددا عده ای داور، با ژست دمکرات یا ولترهای بدلی، کسانی که ظاهرا حاضرند «جانشان را بدهند تا مخالف شان حرف بزنند»، دم نگیرند که این چه وضعی است! چرا عده ای کمونیست و انقلابی رفته اند و جلسه بزرگداشت خمینی و تبلیغ برای عاشوار را "بهم زده اند"؟! امیدوارم درس گرفته باشند و دفاع از جمهوری اسلامی را با زوروق «آزادی بیان» به خورد مردم ندهند! امیدوارم، هرچند امیدی نیست!

اما این پدیده جدید نیست، پاختورده و نخ نما است، اوجش در دوره دو خرداد و عروج خاتمی بود. در آندوران صف جنبش ملی اسلامی از بخش تماما رژیم آن تا جناح های جمهوریخواه و حتی بظاهر سوسیالیست اش، همین حرفها را میزد. دفاع از حضور سیاسی سران و کاربدستان رژیم اسلامی در خارج کشور را زیر پوشش "دفاع از آزادی بیان" پیش می برد. دفاع از همدستی با رژیم اسلامی را با تز "مبارزه مسالمت آمیز" توضیح میداد. بعضا میگفتند این اصلاح طلبان دیروز قاتل "تغییر کرده اند" و تلاش داشتند آنها را به صف اپوزیسیون قاچاق کنند! مگر نمی بینید طیف وسیع ژورنالیست و مفسرین و متخصصین در امور مختلف در رسانه ها را که حتی بعضا نمی توانند ترمهای حوزه تخصصی شان را درست تلفظ کنند!

مدتهاست که این صف اصلاح رژیم مضمحل شده است، دوره شان بسر رسیده و بقول همزمان ما در ایران «ماجرایشان دیگر تمام شده است». «یادمان نرفته که سران اصلاح طلبی دینی و مسالمت جویان رژیم، گوی سبقت از برادران قمه کش و کهریزکی ربودند و در ماجرای خیزشهای ۹۶ و ۹۸ فرمان "بکشید" و "جمع کنید" و "قاطع باشید" علیه مردم کارگر و زحمتکشی دادند که علیه نظام فقر و اختناق اسلامی بمیدان آمده بودند.

بحث ما اما برسر «برهم زدن» جلسه و مراسم کسی نیست. ما سیاست جلسه بهم زدن نداریم. سیاست ما در دو کلمه اینست: ما با رژیمی ها می جنگیم و با اپوزیسیون بحث می کنیم. با رژیمی ها می جنگیم چون در یک رابطه خصمانه، جنگی و سرنگونی طلبانه با این نظام هستیم. چون جنگ ما و کارگران و مردم آزادیخواه با این حکومت تمام نشده بلکه تازه بصورت واقعی آغاز شده است. هر کسی که روزی در این رژیم دست اندرکار جنایتی علیه مردم بوده است، از نظر ما حضورش در خارج با اعتراض قاطع روبرو می شود. اصولا نباید حضور یابد.

هر زمان دادگاهی صالحه رای بر رفع اتهام این افراد داد، ما هم از آکسیون و اعتراض علیه جلسه اینها خودداری می کنیم. همینطور ما هنوز دولت نیستیم که ملزم به تامین و اجرای آزادی بیان کسی باشیم. شهروندان این جوامع هستیم و حق اعتراض داریم. شهروندان این جوامع هم در مهد دمکراسی علیه حضور فاشیستها اعتراض و پیکت می کنند. دولت و پلیس اجازه مراسم به هر کسی داده یعنی آزادی بیان وی تامین شده است، آزادی بیان مخالف و شهروند هم همزمان باید تامین شود. طبق همان قانون بورژوائی هم شهروندان حق دارند در جلسه مربوطه حاضر شوند، پیکت کنند، شعار بدهند، داد بزنند که این فرد آدمکش است، فاشیست است، در هولوکاست اسلامی شریک است، در موضع سخنرانی نیست، باید محاکمه شود. اگر این کشمکش موجب برگزار نشدن جلسه میشود، چه بهتر. این یعنی حقوق پایه ای و دمکراتیکی که همین جوامع برسیمت شناخته اند محقق شده است. شهروندان قرار نیست حق آزادی بیان کسی را رعایت کنند، آزادی بیان مقوله ای است مربوط به رابطه دولت و شهروند و نه شهروند و شهروند یا همسایه با همسایه.

دمکراتهای بدلی و پرورژیمی هم یاد بگیرند. کسانی که تفاوت این مقولات را بدلیل فرهنگ اختناق زده نمی دانند و یا فکر می کنند باید لندن و استکهلم و پاریس را با قانون تهران و مشهد و شیراز منطبق کرد. تازه دیگر در شهرهای ایران کسی قانون و قانونمدار و حکومت را برسیمت نمی شناسد. کسانی که زیر پوشش «دفاع از آزادی بیان» «و» «دفاع از آزادی مذهب» و «اسلاموفوبی» «از مناسک عاشورا و خمینی و حجاب کودکان و مدارس مذهبی و سینه زنی دفاع می کنند؛ در واقع سیاست شان اینست که ارتجاع و تروریسم و فاشیسم اسلامی را به زمین اپوزیسیون بیاورند. اینها خارج کشور را با اوین و کهریزک عوضی گرفته اند. ما نمی گذاریم.

بگذارید خیالتان را راحت کنیم؛ یکبار گفتیم و دوباره تکرار میکنیم: حتی اگر حکومتها در غرب بنا به منافع شان فرش قرمز برای عناصر رژیم اسلامی پهن کنند و پاسخ تظاهرات و تعرض ما به رژیم اسلامی را با زندان و اعدام جواب دهند، ما کوتاه نمی آئیم. قانون ما را ممکن است محدود کند اما ما فراتر از قانون میرویم و از پائین با کمک شهروندان و کارگران در همین جامعه علیه این همسوئی با ارتجاع و فاشیسم و تروریسم مقابله می کنیم.

\*\*\*

## مراسم خمینی جلاد بهم خورد!

## رفقای لندن، انقلابیون دست تان درد نکند!

با همت کمونیست ها و آزادیخواهان مراسم بزرگداشت خمینی جلاد در لندن بهم خورد. آزادیخواهان آمده بودند تا صدای کارگران و مردم معترض ایران باشند که توسط خمینی ها و خامنه ای ها بخون کشیده شدند. آنها آمده بودند تا فریاد کارگرانی باشند که زیر آوار متروپل، در نیزارهای جراحی، در خیابانهای آبان خونین به خاک افتادند. ما یک جنبش ایم. ما با تمام توان اجازه نمی دهیم در خارج بساط ارتجاع اسلامی پهن شود.

خانواده است. رابطه با مالکیت و زمین و قدرت و به این اعتبار مقام و منصب است که جایگاه تان را تعریف میکند و نه نقش واقعی تان در جامعه. اما امروز این عناوین مصرف سیاسی و تجاری دارند. در ایران عاشورای رسانه ها روی عنوان «شاهزاده» در واقع تلاش برای احیای گذشته است. مهم نیست خود فرد چقدر بیسواد و پرت است، مهم اینست که از تخم و ترکه شاهان است، از «ژن خوب» است، سنتا هم نوکر و دستبوس و چاکر از الزامات این مناسبات بوده است.

عقب ماندگی شاخ و دم ندارد. دشمن اساسی مردم ایران و هر جامعه ای این واپسگرایی فکری و فرهنگی است. مگر نگفته اند؛ «هنر نزد ایرانیان است و بس»؟! \*\*\*

\*\*\*

خارج کشور باید روی این خط مشی برود و همراه با مردم ایران بساط حکومت در خارج را جمع کند! درود بر شما! دستت تان درد نکند!

\*\*\*

### «ارتحال» خامنه ای!

### زنده باد اعتراضات کارگری و توده ای!

خامنه ای جنایتکار در مناسک سالمرگ خمینی جلاد از اعتراضات مردم سخن گفت. او خوب می دانست که مسئول مستقیم قتل بیش از صد تن از کارگران برج دوقلوی متروپل سرمایه داران میلیاردی فاسد حکومتی هستند. او اینبار جرات نکرد اعتراض برحق مردم آبادان و شهرهای خوزستان و ایران را «اعتشاش» و «فتنه» نام بگذارد.

این مناسک را باید بطور قطع پیش پرده «ارتحال» خامنه ای و نظام کثیف و جنایتکار اسلامی نامید. مرگ بر جمهوری اسلامی!

\*\*\*

### در باره عنوان «شاهزاده»

### رسانه های مردسالار و ادبیات رعیت وار

تاکنون به عناوین برای خطاب و معرفی افراد فکر کرده اید؟ دقت کرده اید که میتوان دانشگاهی بود و در غرب زندگی کرد اما با ادبیات عصر حجر با دنیای پیرامون رابطه گرفت؟ افرادی تحصیل کرده و مدعی درک از سیاست و حقوق و دمکراسی و برابری، درست مثل رعایا و بردگان عهد عتیق به ولی خود تعظیم می کنند. تفاوتی ماهوی و حتی صوری وجود ندارد؛ یکی برای ولی فقیه غش میکند دیگری برای ولی عهد، مضمون و رابطه از یک جنس است.

یکی از این عناوین «شاهزاده» است! در خانواده سلطنتی از این القاب کم نداریم؛ دوک و دوشس، بارون و بیر، شاهزاده و ولی عهد، شهبانو و شهدخت و...

این ادبیات بشدت مردسالار و ضد زن است. حتی ضد زنان خانواده مفتخور و بی خاصیت سلطنتی. شاه که نمیتواند بزاید، اما بحکم نرینه بودن نظام موروثی سلطنت، باید «شاهزاده» (لقب بگیرد. و این عنوان ظاهرا ابدی است، حتی اگر «شاهزاده» سابق حوصله شاهی نداشته باشد.

در جامعه متمدن به اعتبار «زاده» کسی را خطاب نمی کنند، اگر با این سیستم جلو برویم و آنرا تعمیم دهیم، باید از آخوند زاده، تاجر زاده، حاجی زاده، خان زاده، فقیر زاده، دهقان زاده، کارگر زاده و غیره حرف بزنیم. حالا از عناوین ایلپاتی و ارتشی مانند ملک شاهی و سپهسالار و امیرالدوله ها بگذریم. گویی مقوله ای بنام هویت فردی و استقلال فردی وجود خارجی ندارند، اول بگو «زاده» کی هستی تا اصولا بشود در مورد حرف زد!

ریشه همه این خزعلات و عناوین کاذب در مالکیت خصوصی و نهاد

### شورای هماهنگی شکل های صنفی فرهنگیان

### ایران

, پیش به سوی

#تجمع\_سراسری\_معلمان\_ایران

#ما\_میآیم

#باشکوه\_میآیم

#همه\_میآیم

در ایران طوفانی در راه است  
فرهنگیان فریاد #اتحاد خواهند زد  
#معلمان\_ایران\_متحد\_شوید

وعده ما

پنجشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۱

ساعت ۱۰ صبح

تهران، مقابل: مجلس

مراکز استان ها: مقابل ادارات کل

شهرستان ها مقابل: ادارات آموزش و

پرورش شهرستان

#همه\_می\_آیم



## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

گزارشات هفته گذشته مبارزات کارگری و جنبش‌های اجتماعی تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر  
راه و ترابری مانند میدان جنگ به قتلگاه مردم جامعه ایران تبدیل شده است!

تنها فرو ریزی برج متروپل نیست که از نتیجه فساد سیستماتیک سران رژیم اسلام به قتلگاه شمار زیادی از مردم تبدیل شد. هنوز جامعه ما از شوک ناشی از فروریختن ساختمان #متروپل آبادان که ده‌ها انسان جان عزیزشان را از دست دادند نگذشته بود، صبح روز پنجشنبه ۱۸ خرداد قطار مسافربری مشهد - یزد به دلیل بی مسئولیتی، فساد و عدم برنامه ریزی و کیفیت راه و ترابری با برخورد یک دستگاه بیل مکانیکی از خط خارج شد و تعدادی از مسافرین قربانی سیستم سودجوی، تبهکاری و فساد رژیم اسلامی شدند و ده‌ها خانواده و بستگان در غم و اندوه از دست دادن عزیزانشان فرو رفتند. بر اساس گزارشات رسیده در این حادثه تا کنون 21 انسان بی دفاع جان خود را از دست دادند و حدود 100 نفر دیگر نیز بشدت زخمی و مصدوم شده‌اند که در بین مجروحان جراحات شدید مشاهده شده و حال بسیاری از آنها وخیم گزارش شده است.

هیچ‌گاه به قول‌های خود عمل نکرده‌اند. برای شنیده‌شدن مطالبات‌مان، طومارها و نامه‌ها نوشته و تحویل داده‌ایم و نهایتاً و علی‌رغم میل باطنی مجبور به برگزاری تجمعات اعتراضی قانونی شده‌ایم تا شاید به خواب رفتگان صدای ما را بشنوند. در سال ۱۴۰۰، اعتراضات سراسری معلمان در ۲۰۰ شهر برگزار شد و خواسته‌های قانونی فرهنگیان صریحاً و به بانگ بلند اعلام گردید. این تجمعات، مدنی، مسالمت‌آمیز و مبتنی بر اصل ۲۷ قانون اساسی، با این‌که دستاورد بزرگی برای معلمان و کلیت جنبش مطالباتی کشور محسوب شده و در تاریخ مبارزات صنفی و مدنی به یادگار خواهد ماند، هیچ‌گاه پاسخ مناسب دریافت نکرد. تجمعاتی که فارغ از نتایج ملموس مادی، روحیه کرامت و اعتبار و شکوه حق‌خواهی و عدالت‌طلبی را در پیکره‌ی جامعه تقویت کرد.

عظمت و شکوه تجمعات اعتراضی معلمان در سراسر کشور نمی‌توانست از دید هیچ ناظری مغفول بماند، اما مسئولان در دولت و مجلس، این‌بار نیز طوری رفتار کردند که انگار صدای ما را نشنیده‌اند.

نکته‌ی قابل تأمل این‌جاست که مسئولان در ادوار مختلف با تفاوت در گرایش و سلیق سیاسی و مدیریتی شان در یک مورد اتفاق نظر داشتند و آن هم در شیوه (پاسخ‌نگویی) آنان بود. آن‌ها، به‌اتفاق با خواسته‌های قانونی ما با یک روش واحد برخورد کردند: "سرکوب و بازداشت فعالان صنفی معلمان و پرونده‌سازی، و اخیراً سناریوسازی علیه بهترین معلمان ایران".

طُرْفه این‌که به‌خوبی می‌دانند، سرکوب و بازداشت هیچ حاصلی جز تخریب آخرین بقایای دیوارهای اعتماد به مسئولان نداشته و اتفاقاً اراده‌ی معلمان را برای مطالبه‌ی خواسته‌های برحق تقویت کرده‌است. در چند ماه گذشته و در پی برگزاری تجمعات سراسری معلمان، اتهام‌زنی و سناریوسازی امنیتی علیه فعالان صنفی معلمان و کارگران، به‌عنوان آخرین حربه برای تقابل با اعتراضات و مطالبات صنفی، به مجموعه‌ی روش‌های سرکوب افزوده شده‌است.

همگان می‌دانند که این روش‌ها، هیچ‌گاه افکار عمومی را قانع نکرده و به مصداق قول مولانا "از قضا سرکنگبین صفرا فزود" نگاه جامعه را نسبت به سناریوسازان منفی‌تر کرده‌است، همچنین این‌نکته را به ذهن تداعی نموده که مگر پیش‌تر، توانسته‌اند از این روش‌های نخ‌نما شده، سودی ببرند!؟

از سوی دیگر، خواسته‌ی معلمان تلاشگر و فرهیخته‌ی این خاک عزیز، فضیلت دانش، زیستن با کرامت، معیشت و رفاه همگانی است، یقیناً این خواسته‌ها با مسکن‌های کم اثر و موقت قابل حل نیستند و یا با حمله‌هایی از جنس سرکوب و سناریوسازی، فراموش شدنی نیستند و مترفع نخواهند شد.

ساختارهای ناکارآمد اجرایی و سازمانی که برای

ما در برنامه جامعه و کارگران ضمن تسلیت و ابراز همدردی با خانواده، بستگان و دوستان و آشنایان جانب‌اختگان، اعلام می‌کنیم، سیستم سودجویانه، فساد و تبهکاری رژیم اسلامی عامل اصلی تصادفات در راه و ترابری است که هر روزه ده‌ها انسان بی دفاع قربانی میشوند. ما بر این باور هستیم تنها راه انتقام از دست رفتن عزیزانمان بزیر کشیدن کلیت رژیم جنایتکار اسلامی است!  
بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران و فراخوان تجمیع اعتراض به عدم اجرای همسان‌سازی، رتبه‌بندی، بازداشت‌های غیر قانونی فعالان صنفی و سناریوسازی‌های صدا و سیما

همکاران گران‌قدر، مردم شریف ایران!  
بیش از دو دهه است که معلمان ایران و نمایندگان آن‌ها در تشکل‌های صنفی، در چهارچوب قوانین موضوعه کشور به روش‌های مختلف \_ همواره مصرانه و صریح\_ مطالبات خود را پیگیری کرده‌اند؛ مطالباتی که علاوه بر کرامت و معیشت فرهنگیان، کرامت و حقوق بدیهی دانش‌آموزان و فرزندان این مرز و بوم، منجمله امکانات آموزشی رایگان، کیفی و مطابق با استانداردهای روز را نیز شامل می‌شود.

جای تاسف است که در تمام این سال‌ها، مسئولان امر، همواره و در هر حرکت قانونی، مشروع و حق‌طلبانه‌ی فرهنگیان، آن روش‌های قانونی را نادرست تلقی کرده و در هر کدام از این کنش‌ها، چند نفر از معلمان را بازداشت کرده‌اند.

ما بارها از مسئولان خواسته‌ایم که با نیستن راه گفتگو و مذاکره، حرف‌های ما را بشنوند و درصدد رفع معضلات برآیند. ما در تمامی جلسات، معضلات و کمبودها را مشخص کرده و راه حل‌های عملی ارائه کرده‌ایم، با این‌که در بادی امر، سخنان‌مان را پذیرفته‌اند، اما

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

تلاشگر و کنشگران شریف؟ یا غارت‌گران اموال مردم؟ چرا صدا و سیما، دزدان بیت‌المال را \_علیرغم احراز مجرمیت\_ با نام اختصاری معرفی می‌کند! اما معلمانی را که هیچ کدام از مراحل رسیدگی به پرونده‌شان طی نشده و مجرمیت آنان اثبات نشده، طی سناریوی ناجوان‌مردانه، متهم جلوه می‌دهد؟! "این تذهبون"؟ شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، با صدایی رسا، از شما می‌خواهد:

اگر سندی، دال بر مجرمیت فعالان صنفی دارید، به صورت شفاف منتشر کنید و همکاران شریف ما را در دادگاه‌های علنی محاکمه کنید تا از خودشان دفاع نمایند:

"تا سپهروی شود هرکه در او غش باشد" چرا و به استناد به کدامین قانون، فعالان صنفی را بیش از موعد مقرر شده در قانون (سی روز) در بازداشت به اصطلاح "موقت" نگه میدارید؟

به کدام حق و به استناد به کدام قانون وقتی قرار بازداشت، توسط قاضی به قرار وثیقه تبدیل می‌شود، برخلاف قانون آن‌ها را در بازداشت نگه می‌دارید؟

به استناد کدام قانون، اصرار بر اطاله بازداشت و دادرسی دارید؟ آیا غیر از این است که در ساخت سناریوتان با شکست مواجه شده‌اید؟ شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، به نمایندگی از معلمان مطالبه‌گر کشور اعلام می‌نماید:

فعالیت کانون‌ها و انجمن‌های صنفی، جریان مستقل، حق خواهانه، مستمر، ریشه‌دار و همچون درختی تناور است که هیچ‌گاه قابل حذف نیست؛ پس به جای تلاش برای افزودن به دامنه سرکوب، تن به گفتگو دهید، صدای معلمان را بشنوید و به مطالبات برحق و صنفی آنان، جامه عمل بپوشانید.

ما صریح و قاطعانه اعلام می‌کنیم که لازم است سریعاً دست از سرکوب بردارید، اسماعیل‌عبدی، رسول‌بدایی، محمدفلاحی، مژگان‌باقری، اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه، شعبان‌محمدی جعفر ابراهیمی، محمدحبیبی، اصغرامیرزادگان، محمدعالیشوندی، محمدعلیزحمتکش، هاشم‌خواستار عبدالرزاقامیری، حمیدعباسی، غلامرضا غلامی‌کندازی، ایرجرنما، جباردوست‌بهرترین معلمان ایران زمین هستند و تلاش آن‌ها برای اعتدالی فرهنگ این کشور بوده‌است، بدون شک، نمی‌توان اندیشه و تفکر را زندانی کرد.

ما همچنان امید داریم که به این نتیجه رسیده باشید: فعالیت‌های کانون‌ها و انجمن صنفی، قائم به فرد نبوده و از دل بدنه خودجوش معلمان مطالبه‌گر سراسر ایران نشأت گرفته‌است، این حرکت، شعله‌ای نیست که با سرکوب خاموش شود و از هستی محو گردد.

دولت‌یان و مجلس نشینان! با صدایی بلند و رسا اعلام می‌کنیم، چنانچه همکاران ما سریعاً و بی‌قید و شرط آزاد نشوند، و خواسته‌های به‌حق و قانونی معلمان ایران اجرا نشوند، اعتراضات صنفی ادامه خواهد یافت.

بر همین مبنا و با استناد به اصل بیست و هفتم قانون اساسی، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، از فرهنگیان شریف در جای‌جای ایران عزیز دعوت به عمل می‌آورد، در تجمع اعتراضی روز پنج‌شنبه ۲۶ خرداد، که از ساعت ۱۰ الی ۱۲ ظهر برگزار می‌گردد شرکت نمایند و حقوق قانونی خود را مطالبه کنند.

صفحه ۱۵

خوش‌خدمتی به بالادستی‌ها و ارباب قدرت و ثروت، تلاش می‌کنند که مطالبه‌گری کانون‌ها و انجمن‌های صنفی معلمان را به جریانی‌های سیاسی داخلی و خارجی نسبت دهند، تنها و تنها یک پیام را به جامعه منتقل می‌کنند:

"درماندگی و ناکارآمدی ساختار اجرایی و مدیریتی کشور برای پاسخ به خواسته‌های قانونی معلمان! از جمله اصل سی‌ام قانون اساسی، همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و اجرای قانون رتبه‌بندی" و...

ل  
ازم است با اتکا به روش معلمانه‌ی خویش و به تکرار، به مدیران و مسئولان امر در قوای سه‌گانه توضیح دهیم که مطالبه‌گری حق‌طلبانه‌ی معلمان این کشور، محدود به دوره حکومت یک جریان خاص در کشور نبوده و نیست، همچنین، این فعالیت‌ها، صرفاً در چهارچوب قانون و بر بستر قانون اساسی و حقوق حقه‌ی شهروندی صورت می‌پذیرد، لذا سرکوب اعتراضات و مطالبه‌گری‌های صنفی، مشکلات جامعه را حل نمی‌کند و متأسفانه فاصله‌ی بین ملت دولت را بیش‌تر خواهد کرد.

ما از دولت‌یان و مجلس نشینان می‌پرسیم: مگر رتبه‌بندی در مجلس به قانون تبدیل نشده‌است؟ مگر قرار نبود که از ۳۱ شهریور ۱۴۰۰ اجرایی شود؟ مگر بازه‌ی زمانی اجرای آن، نهایتاً تا ۱۸ خرداد نبود؟

چرا با وجود افزایش لجام‌گسیخته تورم، از اجرای آن سرباز زده‌اید؟ معلمان ایران، توامان از درغوبی و تبعیض بیزارند. پیش‌کسوتان فرهنگی، چه گناهی کرده‌اند که باید، سال‌های سال با وعده و وعده‌های واهی منتظر اجرای همسان‌سازی حقوق باشند؟! ما بدین‌وسیله به اطلاع مدیران و مسئولان می‌رسانیم که شما در آزمون اجرای طرح رتبه‌بندی و همسان‌سازی، بارها فرصت داشتید که نمره قبولی کسب کنید، اما هر بار از این آزمون سرشکسته بیرون آمدید، همان‌گونه که در اجرای قانون ۱۷ سال مغفول مانده مدیریت خدمات کشوری سرشکسته شدید.

دولت‌یان و مجلس‌نشینان! نیک می‌دانید که همچون گذشته، تنها به اعلام خواسته‌مان اکتفا نمی‌کنیم و این مطالبات را با جدیت، اتحاد و هوشیاری پیگیری خواهیم کرد، زیرا برای ما باوریم که آموزش و پرورش کشور، در تمامی ادوار، در اولویت شما نبوده و نیست. یقین داریم که در باورتان تا زمانی که جوانترین معلمان شاغل، بازنشست ه شوند، رتبه‌بندی را اجرا نخواهید کرد. پس مجبوریم مطالبه‌گری خود را همچنان و با گام‌هایی استوارتر ادامه دهیم.

امروز پرسش افکار عمومی این است: چرا معلمانی که تمام تلاش و هم و غم‌شان آبادانی، رفاه، سلامت، شادابی، خردورزی و کرامت برای تمام مردم ایران است را با اتهامات واهی بازداشت می‌کنید؟ چه کسانی امنیت ملی و آسایش جامعه را به خطر می‌اندازند؟ معلمان

**کارگران، کمونیست‌ها، به حزب حکمتیست پیوندید!**

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

کارگران شهرداری ایرانشهر اکنون ۵ ماه است که حقوق نگرفته‌اند. با وجود بارها تجمع و اعتراض، شهرداری این شهر هیچ اعتنایی به وضعیت کارگران نمی‌کند. کارگران هر روز با نامه‌نگاری به مقام‌های شهرداری و استانی و با تجمع و اعتراض حضوری به امید پاسخگویی مشغول هستند. اما ۵ ماه بدون دستمزد برای تهیه کمترین امکانات معیشتی به قرض و نسیه گرفتن روی آورده‌اند. آنها می‌گویند کالاهای اساسی طی یک‌ماه گذشته چندین برابر افزایش قیمت داشته است. ما حتی اگر حقوق هم سر ماه می‌گرفتیم، فقط کفاف نیمی از ماه را می‌داد. چه رسد به اینکه ۵ ماه بدون حقوق سر کنیم.

در شهرداری ایرانشهر ۶۵۰ نفر کارگر به‌صورت قرارداد مستقیم با سابقه‌های بالای ۱۵ سال مشغول به کار هستند. شهرداری حقوق آنها را از بهمن‌ماه سال گذشته پرداخت نکرده است. آیا نمایندگان مجلس و مقامات ریز و درشت حکومتی و شکنجه‌گرانشان یک روز حقوقشان به تعویق می‌افتد؟ به گفته کارگران نزدیک به ۴ ماه بیمه آنها و ۱۴ سال عیدی عقب افتاده نیز پرداخت نشده است.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی با خروش شعار مرگ بر رئیسی در سراسر کشور

روزهای دوشنبه ۱۶ و سه شنبه ۱۷ و چهارشنبه ۱۸ خردادماه ۱۴۰۱ جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرهای زنجان، کرمان، مشهد، اهواز، شوشتر، بندرعباس، کرمانشاه، تبریز، ارومیه، اردبیل، قزوین، دزفول، گیلان، شوش، کرج، اراک، اصفهان، خرم‌آباد، شیراز، تهران و دیگر شهرها مقابل ساختمانهای اداره های کار، ادارات تأمین اجتماعی و استانداری های این استانها دست به تجمع زدند.

این بازنشستگان تأمین اجتماعی نسبت به مصوبه روز ۱۵ خرداد هیأت وزیران مبنی بر افزایش ۱۰ درصدی حقوق بازنشستگان غیرحداقل‌بگیر اعتراض خود را ابراز داشتند.

بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی خواهان افزایش حقوق به میزان نرخ واقعی سبد معیشت هستند اما دولت حتی مصوبه شورای عالی کار مبنی بر افزایش ۳۸ درصدی برای غیرحداقل‌بگیران را نیز زیر پا گذاشته است.

درخواست های بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی.

۱\_ ابطال فوری مصوبه خلاف قانون هیئت دولت درباره افزایش ده درصدی سایر سطوح.

۲\_ لازم اجراء بودن تصمیمات شورایی عالی کار بدون تصویب در هیئت دولت

۳\_ اجرای صد درصد هم سان سازی و پرداخت معوقات از سال ۹۹

۴\_ افزایش حداقل حقوق بالاتر از خط فقر، اعمال ضریب زمان بازنشستگی برای سایر سطوح و ترمیم حقوق ها براساس سبد معیشت و تورم.

۵\_ تشکیل صندوق حمایتی مجزا با بودجه دولتی برای گروههای حمایتی

۶\_ تصویب قانونی برای جلوگیری از دست اندازی و استقرار دولت ها از صندوق سازمان تأمین اجتماعی و پرداخت عاجل بدهی های دولت به صندوق با اعمال دیر کرد.

۷\_ نظارت واقعی بازنشستگان به داراییهای صندوقها و گزارش شفاف و کامل آن در عرصه عمومی.

### حوادث

#### یک کارگر در یاسوج خود را به آتش کشید

یک کارگر در یاسوج به دلیل مشکلات معیشتی از طریق خودسوزی به زندگی خود پایان داد.

### مکان تجمع:

تهران: مقابل مجلس شورای اسلامی

استان‌ها: ادارات

شهرستان‌ها: ادارات شهرستان

خواسته‌های فرهنگیان کشور، همچون گذشته روشن است:

عدالت آموزش برای همه دانش‌آموزان

اجرای اصل سی‌ام قانوناساسی

اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری

اجرای قانون رتبه بندی

اجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان

آزادی بی‌قیدوشرط فعالین صنفی

تشکیل دادگاه رسانه و مطبوعات برای ناشرین ویدئوی صدا و سیما

علیه فعالین صنفی

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

۱۹ خرداد ۱۴۰۱

### استعفای دسته جمعی پرسنل برق یزد

شنبه ۱۴ خرداد ماه ۱۴۰۱، شماری از پرسنل شرکت برق منطقه اییزد، در اعتراض به پایین بودن حقوق و مزایا و مشکلات متعدد معیشتی و عدم توجه مسولان به مشکلات آنان، درخواست استعفا دسته جمعی از این اداره را اعلام کردند.

### اعتراض مجدد کارگران شهرداری شوش به عملی نشدن وعده‌ی پرداخت حقوق

جمعی از کارگران مجموعه شهرداری شوش؛ روز دوشنبه ۱۶ خردادماه در اعتراض به محقق نشدن وعده‌های داده شده از سوی مسولان برای وصول مطالبات‌شان، اعتراض صنفی خود را در برابر ساختمان فرمانداری شوش برگزار کردند.

### تجمع اعتراضی کارکنان دانشگاه آزاد تهران

روز سه شنبه ۱۷ خرداد ماه، کارکنان دانشگاه آزاد تهران در اعتراض به تداوم عدم افزایش حقوق ماهیانه براساس تورم و هزینه‌های واقعی معیشت، با شعارهایی علیه «تهرانچی» اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

### تجمع آتش نشانان تبریز در اعتراض به افزایش ناچیز ۱۰ درصدی حقوق

آتش نشانان تبریز روز سه‌شنبه در اعتراض به افزایش ناچیز ۱۰ درصدی حقوق در محوطه شهرداری تجمع کردند. معترضان می‌گویند در برابر تورم بیش از ۴۰ درصدی، افزایش ۱۰ درصدی حقوق توهین به کارگران و کارمندان حداقل‌بگیر دولت است.

کارگران شهرداری ایرانشهر ۵ ماه بدون حقوق در سخت‌ترین وضعیت معیشتی مشغول کار هستند

تصاویر صدای تیراندازی شنیده می‌شود

## ستون اخبار کارگری

### و حرکت‌های اعتراضی ...

**زندان و بازداشتها**  
در اقدامی تازه از سوی نهادهای امنیتی، #شعبان محمدی و #مسعود نیکخواه از زندان سندانج به زندان اوین منتقل شدند. این دو عضو انجمن صنفی معلمان مریوان طی تماسی با خانواده‌هایشان این خبر را اعلام کرده‌اند. نکته‌ی قابل تامل این‌جاست که #مسعود نیکخواه را وادار کرده‌اند که با زبان فارسی با همسرش صحبت کند

### مهدی فتحی بازداشت شد

روز ۱۸ خرداد مهدی فتحی از فعالین صنفی فارس در منزلش واقع در روستای کردشول پاسارگاد با یورش نیروهای نیروهای امنیتی بازداشت

هویت این کارگر مجید بهجت نژاد، متاهل و پدر ۳ فرزند احراز شده است.

یک منبع مطلع گفت: «وی به دلیل ناتوانی در پرداخت بدهی ۱۰ میلیون تومانی خود دست به خودسوزی زد و پس از به کما رفتن، در بیمارستان یاسوج جان باخت.»

لازم به ذکر است؛ اردیبهشت ماه سال جاری نیز دو کارگر شاغل در یک واحد نانوايي در روستان خومه زار از توابع شهرستان ممسنی، به دلیل مشکلات معیشتی و فقر مالی از طریق مصرف قرص برنج دست به خودکشی زدند و جان خود را از دست دادند.

طی مدت تقریباً یک سال ( ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰ تا ۷ اردیبهشت ۱۴۰۱) دستکم ۱۵ کارگر دست به خودکشی زده و به زندگی خود پایان دادند

### مرگ کارگر ساختمانی و بر اثر سقوط از ارتفاع

روز یکشنبه ۱۵ خردادماه ۱۴۰۱، یک کارگر ساختمانی به‌نام برهان لشکری بر اثر سقوط از طبقه پنجم یک ساختمان جان باخت. این کارگر در یک ساختمان در حال ساخت در شهر ارومیه مشغول به کار بود. در حین آرماتوربندی دچار این حادثه شد که به‌دلیل نداشتن کمر بند و تجهیزات ایمنی به پایین سقوط کرد. وی متأسفانه به‌دلیل شدت جراحات وارده در محل وقوع حادثه جان باخت.

### مصدم شدن کارگر سفیدکار بر اثر سقوط از ارتفاع در ملایر

در یک حادثه کارگری دیگر، یک کارگر ساختمانی در حین سفیدکاری در یک ساختمان در حال ساخت از طبقه چهارم ساختمان به چاهک آسانسور سقوط کرد و مصدم شد. وی در یک مجتمع ساختمانی در نزدیکی خیابان مولوی شهر ملایر در حال کار بود. نبود استانداردهای لازم در محیط کار و تجهیزات ایمنی و رعایت نکردن ایمنی محیط کار، موجب افزایش روز افزون مرگ کارگران در ایران می‌شود.

سرقت از صندوق‌های امانات #بانک ملی شعبه دانشگاه در تهران بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی ایجاد کرده، هر چند که بعضی گزارش‌ها از جمله درباره تعداد صندوق‌ها ضد و نقیض است.

نکات قابل توجه اینکه سارقان پس از دستبرد، بخشی از تجهیزات اتاق سرور و مرکز دوربین‌های مداربسته این شعبه را هم با خود برده‌اند. گزارش شده است که سیستم هشدار فقط به موبایل رئیس بانک متصل بوده است «اما به دلیل هشدار اشتباهی در گذشته، رئیس بانک به پیامک هشدار اعتنا نمی‌کند.»

در پی اعلام سرقت صندوق‌های امانات بانک ملی شعبه «دانشگاه» در تهران، شماری از مشتریان خشمگین این بانک برای شکایت در این شعبه تجمع کرده و دست به اعتراض زدند

گزارش‌ها از تهران حاکی است که تجمع روز ۱۸ خرداد ۱۴۰۱ گروهی از مال‌باختگان سرقت صندوق‌های امانات بانک ملی شعبه دانشگاه با سرکوب نیروهای امنیتی روبرو شده است و در

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود  
مستقیم و مستمر کارگران است!  
مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر  
نیازی برپا کنید!  
جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

**Workers,  
Rise Up Against  
The Capitalist War!**

**Not To War,  
Not To Austerity!**

حکمتیت  
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

کارگران، کمونیست‌ها، به حزب حکمتیست پیوندید!



آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب  
پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی  
سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی  
جمال کمانگر

[jamalkamangar@yahoo.com](mailto:jamalkamangar@yahoo.com)

دبیر کمیته سازمانده  
رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان  
صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج  
نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)



مجمع عمومی ظرف ابراز وجود مستقیم و مستمر کارگران است!  
مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر نیازی برپا کنید!  
جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه  
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا  
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

سر دبیر موقت نشریه سعید یگانه

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست  
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو  
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.  
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!